جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۴۸۵ | یک‌شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۷ | ۲۷ محرم ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۱:۵۲ |
غروب آفتاب: ۱۷:۴۰ | اذان مغرب: ۱۷:۵۸ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۴:۴۱ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۵ |

دیده‌بان | رضا صمیمی

طالبی نگارش «طلاق» برای شبکه نمایش خانگی را تمام کرد

ابوالقاسم طالبی نویسنده و کارگردان، نگارش فیلمنامه «طلاق» را به پایان رساند و قصد دارد آن را برای شبکه نمایش خانگی بسازد.

کارگردان سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با مهر با اشاره به جدیدترین فعالیت‌های خود گفت: از خرداد ماه سال ۹۵ تا امروز مشغول تحقیق و نگارش فیلمنامه یک سریال با نام موقت «طلاق» بودم که کار نگارش آن به تازگی به پایان رسیده است. وی افزود: داستان این سریال کاملاً به‌روز است و یک قصه اجتماعی را دنبال می‌کند. این مجموعه برای تلویزیون ساخته نمی‌شود و در تلاش هستم آن را برای شبکه نمایش خانگی آماده کنم. طالبی در پایان گفت: هنوز زمان دقیق آغاز تولید این پروژه مشخص نیست ولی در نظر دارم هرچه سریع‌تر تولید این پروژه را آغاز کنم.

کنسرت مذهبی به حمایت نیاز دارد

یک پژوهشگر موسیقی معتقد است اسپانسرهای خصوصی خیلی علاقه‌ای به حمایت از کنسرت‌های مذهبی ندارند، به همین دلیل نیز این کار به حمایت دولت نیازمند است.

عاصمه فندرسکی پژوهشگر موسیقی و مدرس آواز در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه فعالیت در حوزه موسیقی مذهبی بیشتر در زمینه انتشار است، درباره برگزاری کنسرت‌های مذهبی در ایام عزاداری گفت: در برخی مراسم عزاداری مرسوم است که از سازهای بادی یا کوبه‌ای استفاده می‌کنند ولی از سازهای دیگر نمی‌توان در عزاداری‌ها استفاده کرد. این در حالی است که می‌توان در سالن‌های اجرای موسیقی به کنسرت‌های مذهبی پرداخت.

او افزود: به عنوان مثال در سال ۹۱ با همکاری حسام‌الدین سراج یک کنسرت با مفهوم مذهبی از منتخب ترانه‌های آلبوم «وداع» برگزار کردیم که سال بعد نیز دوباره کنسرت را تکرار کردیم ولی برگزاری کنسرت در ایام عزاداری بیشتر به جنبه‌های حمایتی نیاز دارد و باید از یک جا تأمین مالی شود.

مردم ما فرهنگ بلیت خریدن در ایام سوگواری را ندارند چراکه تمامی مراسم عزاداری در کشور ما توسط افراد یا سازمان‌های مختلف ساپورت مالی می‌شوند و دیگر نیازی نیست که مردم برای شرکت در این مراسم پولی پرداخت کنند.

این پژوهشگر موسیقی همچنین معتقد است: برگزاری کنسرت مذهبی در کشور ما شدنی است اما ممکن است برای بلیت‌فروشی به مشکل برخورد کند. فندرسکی در پایان درباره ضعف مداحی‌ها مطابق با پایه و اساس موسیقایی گفت: گاهی اوقات افرادی هستند که مداحی‌های خیلی خوبی را اجرا می‌کنند، هرچند درباره بیشتر آنها باید کاری کرد که دوام و پیوستگی داشته باشند.

ضرابی‌زاده زندگی شهید بهمن باقری را روایت می‌کند

بهناز ضرابی‌زاده، نویسنده کتاب‌های «دختر شینا» و «گلستان یازدهم» از انتشار کتاب جدید خود خبر داد و گفت: کتاب جدید روایتگر زندگی شهید امیر بهمن باقری، فرمانده مخابرات خرمشهر در زمان جنگ تحمیلی است که از زبان همسرش بیان می‌شود.

وی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران پویا، ادامه داد: شهید باقری آبادانی‌ای است که با دختر عموی خود ازدواج می‌کند. این اثر که هنوز عنوانی برای آن انتخاب نشده، در حال حاضر به اتمام رسیده و برای بازبینی نهایی به راوی سپرده شده است. نویسنده کتاب «دختر شینا» با اشاره به جزئیات بیشتری از کتاب تازه خود اضافه کرد: این اثر در کنار بیان خاطرات همسر شهید از زندگی مشترک، روایتگر خاطرات جالبی از حوادث جنگ تحمیلی است؛ از اشغال تا آزادی خرمشهر، مصائبی که در جنگ بر سر مردم این منطقه آمد و... از جمله مطالبی است که در این اثر یاد شده است. برخی از این خاطرات برای نخستین‌بار است که در این کتاب ذکر می‌شود.

ضرابی‌زاده همچنین به اهمیت نقش کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس در ترویج فرهنگ اسلامی- ایرانی اشاره کرد و یادآور شد: اساس کار نویسندگان خاطرات دفاع مقدس اشاعه فرهنگ خودمان است.

حکمت

حکمت ۹۳

فردی از شما نگوید که خدایا از فتنه به تو پناه می‌برم، زیرا کسی نیست که در فتنه‌ای نباشد، لکن آن که می‌خواهد به خدا پناه برد از آزمایش‌های گمراه‌کننده پناه ببرد.

گفت‌وگوی «جوان» با بهروز غریب‌پور در مورد اوضاع نابسامان تئاتر

رویکرد مطربی رهاورد بحران تئاتر

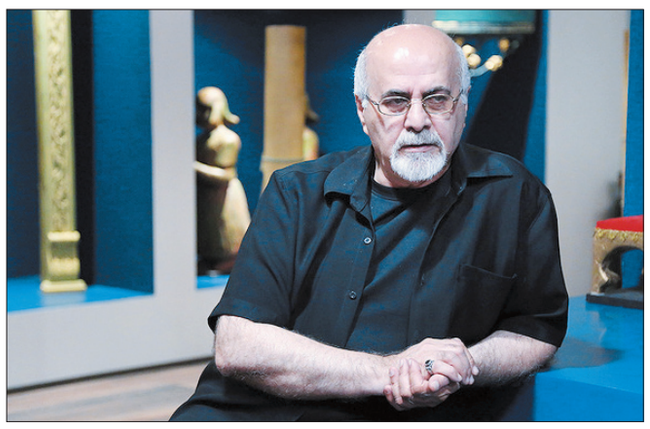

مصطفی شاه‌کرمی

افزایش تصاعدی و قیمت سرسام‌آور بلیت تئاتر و همچنین ورود برخی سلبریتی‌ها که اخبار درخواست دستمزدهای نجومی‌شان باعث ایجاد برخی حواشی و به تبع آن شکل‌گیری اوضاع نابسامان این هنر اصیل و ریشه‌دار شده، محورهایی است که در گفت‌وگو با بهروز غریب‌پور نویسنده، کارگردان تئاتر و سینما و استاد نمایش عروسکی کشورمان بررسی کرده‌ایم. بهروز غریب‌پور با تأکید بر اینکه امروز در دوران بحران هویت تئاتر هستیم، می‌گوید: «متأسفانه برخی افراد آثار شکسپیر را به صورت مطربی روی صحنه برده و اجرا می‌کنند!»

■ تئاتر، گروگان تصمیمات آنی مدیران

استاد نمایش عروسکی کشورمان در مورد علت و ریشه اوضاع کنونی بالا رفتن قیمت بلیت تئاتر به «جوان» می‌گوید: در تمام دنیا هنرهایی که سرمایه‌ای محسوب می‌شوند از یک سوبسیدی برخوردار هستند که دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای اقتصادی حامی این نوع فعالیت‌ها هستند. شما در مورد سینما می‌بینید به رغم اینکه به نظر می‌رسد سینما می‌تواند به خودکفایی و ثروت‌آفرینی برسد تا سالیان سال و حتی امروز که سوژه‌هایی هستند که به گونه‌ای در قالب استراتژی فرهنگی آن جامعه قرار دارند، نهادهایی کمک می‌کنند تا هزینه فیلم را تأمین بکنند. علت این کار هم این است که نمی‌خواهید به استراتژی فرهنگی جامعه‌تان لطمه‌ای وارد بشود. از آنجایی که ما تصمیمات‌مان را آنی و در لحظه و مقطعی می‌گیریم، ناگهان تصمیم بر این شد که تئاترها خصوصی باشند و به تئاترها هم هیچ کمکی صورت نگیرد. قریب‌پور در ادامه خاطر نشان می‌کند: تنها راه‌حلی که می‌ماند این است که صاحبان آثار مجبور می‌شوند از جیب مردم و جامعه هزینه‌هایشان پرداخت گردد. وقتی هم که شما به تولیدات نگاه می‌کنید، می‌بینید تولیدات هم هزینه‌های کمرشکنی دارند که باید به هر نحوی تأمین شوند اما اینکه جنبه منفعت‌طلبی و سودخواهی کجای این قضیه است نیاز به انجام کار کارشناسی دارد تا اگر یک نفر به خاطر اینکه می‌بیند باید هزینه و دستمزد چند تا هنرپیشه‌اش را که روی صحنه آورده تأمین کند، می‌آید و قیمت تئاتر را به شکلی بی‌رویه و بی‌منطق بالا می‌برد باید دستگاه‌های نظارتی چنین اتفاقاتی را بررسی کنند. الان معلوم نیست قیمت واقعی یک اثر چقدر است یا قیمت و هزینه بلیت یک سالن چقدر باید باشد؟! اینها به دلیل شرایط خاصی است که بر مدیریت تئاتر حاکم شد و به تبع خروج بخش دولتی و انجام ندادن وظایفش زمینه‌ساز ورود بخش خصوصی به تئاتر گردید، طبیعی است که یک دوران آشفتگی در پیش خواهیم داشت.

نوکیسه‌گانی هستند که تماشاگر تئاتر شده‌اند و حتی دوست دارند بگویند بلیت یک نمایش مثلاً ۵۰۰ هزار تومان است! بعضی‌ها تفاخرشان به چنین چیزهایی است!

■ این بحران چاره‌پذیر است

این نویسنده بیان می‌کند: من تصور می‌کنم اگر نگاه خیرخواهانه‌ای به این بحران داشته باشیم و آن را به مسائل سیاسی و عقده‌گشایی‌ها و... آلوده به اغراض خودمان نکنیم، قطعاً چاره‌پذیر است ولی من خودم به عنوان یک فرد تئاتری فکر می‌کنم که طبیعی است یک بلیت تئاتر آن هم با قیمت ۲۵۰ هزار تومانی را قطعاً نمی‌توانم پرداخت کنم و از تماشاگران و مخاطبان تئاتر هم یک چنین توقعی ندارم اما امروزه نوکیسه‌گانی هستند که تماشاگر تئاتر شده‌اند و حتی دوست دارند بگویند بلیت یک نمایش مثلاً ۵۰۰ هزار تومان است و ما ۱۰ بلیت خریده‌ایم!؟ همواره در دوره هایی که بحران‌های اقتصادی باعث بیشتر شدن فاصله طبقاتی در جامعه می‌شوند، بعضی‌ها تفاخرشان به چنین چیزهایی است! همانطور که در مورد ماشین و وسیله نقلیه افراد می‌بینیم، مثلاً سلبریتی‌ای که تا دیروز و قبل از مشهور شدنش با ماشین ارزان‌قیمت رفت و آمد می‌کرده، اولین کاری که بعد از کسب شهرت می‌کند این است که می‌خواهد یک پورشه بخرد! یا اینکه یک سلبریتی دیگری که قبل از کسب شهرت با اتوبوس رفت و آمد داشته حالا می‌خواهد حتماً یک ماشین شاسی بلند بخرد؟! متأسفانه این مسئله گرانی لجام‌گسیخته و سرسام‌آور بلیت تنها منحصر به تئاتر نیست و می‌بینیم که برای کنسرت فلان خواننده هم ارقام عجیب و غریب برای تهیه بلیت عنوان می‌شود که من گمان می‌کنم این اقدامات کاملاً منفعت‌طلبانه هستند.

■ تئاتر عامه‌پسند یا عامیانه؟

این پیشکسوت تئاتر کشورمان در مورد اعتقاد برخی افراد که معتقدند تئاتر باید از هنری که مخاطب خاص دارد خارج شده و به سمت عامه‌پسند بودن حرکت کند، اظهار می‌دارد: من اصلاً چنین چیزی را قبول ندارم. ببینید اساساً در تئاتر و همه هنرها طیف [و عوالم] گسترده‌ای وجود دارد که همین طیف گسترده مخاطبان گسترده‌ای دارد، مثلاً شما هرگز نمی‌بینید در سینمایی که فیلم‌های تجاری را اکران می‌کند فیلم‌های اینگرید برگمن را نمایش بدهند! یا اینکه در یک سالنی که آثاری با مختصات خاص هنری در آن پخش می‌شود، نمی‌توان فیلم‌های عامه‌پسند و سطحی اکران کرد؟! بنابراین لازم است تنوع در بازار را رعایت کنیم. اجازه بدهید از تجربه شخصی خودم بگویم. یک زمانی که من نمایش «بینوایان» را سر صحنه بردم با همین نگاه چنین کاری را انجام دادم تا بر شمار و تعداد مخاطبان تئاتر اضافه کنم، نه با عامه‌پسند کردن آن. با روی صحنه بردن رمانی که به هر حال مردم از آن و اتفاقاتش ذهنیت‌هایی داشتند؛ مردمی که قبل از این فیلم و سریالش را بارها تماشا کرده‌اند یا اغلب کتابش را خوانده‌اند، بنابراین چنین اقدامی از سوی من به خاطر «عامه‌پسند کردن تئاتر» نبود بلکه برای «عام کردن مخاطب و تماشاگر» صورت گرفت، به همین علت است که «عام کردن» با «عامیانه کردن» تفاوت بسیار زیادی دارد، بنابراین به قیمت اینکه لازم است بر شمار و تعداد مخاطبان اضافه کنیم نباید از میزان اندیشه و تاثیرگذاری اجتماعی یک اثر کم کنیم. اگر کسی با این بهانه بخواهد عمل بکند مطمئناً پشت پرده و دلیل و ذهنیت آن فرد مال‌اندوزی است نه چیز دیگری. ما الان تماشاخانه‌هایی در تهران داریم که عده‌ای فقط برای اینکه بخندند به آنجا می‌روند، البته این در تمام دنیا وجود دارد.

■ اجرای مطربی بینوایان

غریب‌پور با تأکید بر اینکه الان مشکل ما این است که تماشاخانه‌ها هویت خاص خودشان را ندارند، می‌افزاید: مثلاً شما به سالن تئاتر شهر می‌روید و متوجه می‌شوید یکی از آثار شکسپیر را روی صحنه برده و به صورت مطربی (موزیکال) اجرایش می‌کنند! از یک طرف آلات موسیقی می‌آورند و از طرف دیگر هم یکی از آثار ویلیام شکسپیر را که یک نام بزرگ در دنیای ادبیات و هنر است در اصلی‌ترین سالن تئاتر کشور روی صحنه می‌برند، خب می‌شود این کار را در یک تماشاخانه‌ای روی صحنه برد که مدعی تریبون بودن تئاتر کشور نباشد! یا اینکه یک اثر شاخص را نبرند در یک بیغوله اجرا بکنند. مشکل الان ما این است (به قول قدیمی‌ها) کاه را جلوی سگ و استخوان را جلوی اسب انداخته‌ایم! در حقیقت امروز یک مسئله بحرانی مثل بحران هویت تماشاخانه‌ها گریبانگیر تئاتر شده است. در مورد مسائل اقتصادی هم باید ببینیم که افراد دنبال مال اندوزی‌اند یا اینکه واقعاً دغدغه اندیشه دارند. من فکر می‌کنم در دوران بحران هویت تئاتر هستیم و باید مسئولان رده بالا برای این اوضاع فکری بکنند. چه اینکه هیچ بعید نیست همین فردا برای رقابت هم که شده یا برای آن قشر پولدار و مرفهی که می‌خواهند مردم را دق بدهند بگویند که ما می‌توانیم بلیت‌های چندصدهزار تومانی هم بخریم یا شاید [خطاب به مردم] بگویند که دلتان بسوزد من یک تئاتری دیدم که بلیتش ۵۰۰هزار تومان است!

این استاد دانشگاه در مورد بازی سلبریتی‌ها در نمایش‌ها و نقش آنها در بالا رفتن قیمت بلیت تئاتر اظهار می‌دارد: این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که مسئولان از تئاتر حمایتی نمی‌کنند و می‌گویند برو هر طور شده هزینه‌هایت را جبران کن! خب معلوم است که کارگردان یا تهیه کننده می‌رود چند چهره معروف یا همان سلبریتی ورزشی یا سینمایی را می‌آورد تا بتواند از جیب مردم هزینه‌های بازیگر، سالن و... را دربیاورد، البته من با ورود چهره‌های سینمایی به تئاتر مشکلی ندارم، به شرط اینکه «هنرمند و بازیگر» باشند.

نما | حسین کشتکار

انتقادات شدیداللحن سیدضیاء هاشمی از بنیاد سینمایی فارابی

فعالیت فارابی باید در دهه ۷۰ متوقف می‌شد

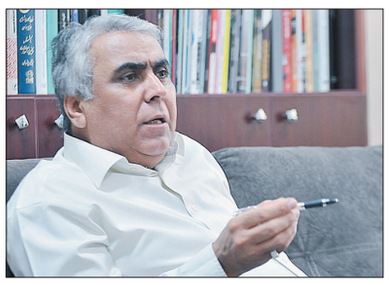

■ فرزین ماندگار

سیدضیاء هاشمی تهیه کننده با سابقه سینما و رئیس کمیته انضباطی اکران در برنامه رادیویی سینما معیار گفت: ما در دهه ۶۰ چون فاقد سازمان‌ها و نهادهای صنفی بودیم وجود نهادی مانند فارابی ضروری بود و عملکرد خوبی هم داشت اما با فعالیت نهادهای صنفی در اواخر دهه ۶۰ دیگر نیازی به فعالیت و حضور فارابی نبود و فعالیت آن در دهه ۷۰ باید خاتمه می‌یافت.

بنیاد سینمایی فارابی در نیمه دوم دهه ۹۰ اهداف تازه‌ای را ترسیم کرده است از جمله گسترش نهضت تولید محتوا در سینمای ایران با استفاده از ظرفیت‌های موجود ملی در راستای حمایت از خدمات و تولیداتی با محتوایی بومی در فضای مجازی و شفافیت در صنعت سینما و استانداردسازی فعالیت‌ها در محیط کسب و کارهای سینمایی به منظور ترغیب اشخاص حقیقی و حقوقی در چارچوب استانداردها به سرمایه‌گذاری در تولید فیلم و زیرساخت‌های سینمایی و تسهیل در معرفی و فروش داخلی و خارجی محصولات سینمایی اما به نظر می‌رسد که این اهداف تنها به روی کاغذ خلاصه شده است و حتی به نظر می‌رسد این بنیاد در حیطه اهداف پیشین نیز اثرگذاری لازم را ندارد و این اثرگذاری هر قدر جلو می‌رویم با کاهش بیشتری روبه‌رو می‌شود.

در این باره رئیس کمیته انضباطی اکران درباره نحوه انتخاب نماینده ایران در اسکار با انتقاد شدید از عملکرد بنیاد سینمایی فارابی به این نکته اشاره می‌کند که: انتخاب فیلم برای اسکار باید توسط نهادهای صنفی صورت گیرد اما متأسفانه به خاطر منافع برخی از افراد، همچنان شاهد حضور نهادهای دولتی در سینما هستیم. در انتخاب نماینده برای اسکار هم چیزی جز سیاسی کاری و اعمال نظر دولت وجود ندارد و این کار بسیار غلطی ست. من معتقدم نه تنها در این مورد (انتخاب نماینده برای اسکار) که از اساس و ریشه باید فارابی را از بین برد و نابود کرد! امروز هیچ نیازی به وجود چنین نهادی نداریم که بودجه‌های کلان بگیرد تا برای اسکار نماینده انتخاب کند یا اینکه مدیرانش مرتب به سفرهای عجیب و غریب بروند! مدیران فارابی تا حالا همگی بلااستثنا مارکوپولو شده‌اند! این قدر که به بهانه‌های مختلف به سفر رفته اند! به زبان عامیانه باید بگویم فیلم را کس دیگری می‌سازد و آقایان حال و هولش را می‌برند! ما گرفتار بوروکراسی وحشتناکی شده‌ایم، بیش از ۲۰۰ نفر بیکار آنجا نشسته‌اند که حتی مثل آرایشگرها هم نمی‌توانند سر هم را اصلاح کنند و نمی‌توانند برای خودشان کار درست کنند و در تمام این سال‌ها هر مدیری که آمده سراغش رفته ایم و از او خواسته ایم این نهاد را از بین ببرد اما افرادی که سال‌های سال است در این نهاد حضور ثابت دارند، راه و چاه را بلدند و با مدیر لابی می‌کنند و اجازه این کار را نمی‌دهند.

هاشمی در بخش دیگری از سخنانش عنوان می‌کند: به نظر من هر انتخابی که توسط این بنیاد صورت می‌گیرد اشتباه است چون ترکیب افرادی که انتخاب می‌شوند در تمام دولت‌ها با اهداف سیاسی صورت می‌گیرد. هاشمی در ادامه با اعلام اینکه خانه سینما متولی خوبی برای این انتخاب نیست، بهترین گزینه موجود را تشکیل کمیته‌ای از اعضای شورای مرکزی کانون کارگردانان و تهیه کنندگان دانست. وی همچنین در خصوص انتخاب فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» گفت: «به رغم اینکه شخصاً این فیلم را دوست دارم اما این انتخاب را برای اسکار مناسب نمی‌دانم، فیلم‌های اینچنینی فیلم‌های پیش پا افتاده‌ای برای اسکار هستند، برای اسکار فیلمی می‌خواهیم که تصویر درستی از ایران ارائه دهد، امسال گزینه‌های بهتری از این فیلم برای ارائه به اسکار داشتیم.»

این سینماگر فعال در امور صنفی در خصوص تجربه دو دوره حضور خود در هیئت انتخاب در سال‌های ۸۳ و ۸۴ نیز اینگونه اظهار نظر می‌کند: «اعضای هیئت انتخاب متأسفانه معمولاً به فرد و جایگاه او در سینمای خودمان نگاه دارند و فکر می‌کنند به خاطر جایگاه افراد باید فیلم انتخاب کنند!»

وی در خصوص نقش معاون بین‌الملل فارابی که معمولاً عضو ثابت هیئت انتخاب در ادوار مختلف است، گفت: «آقای امیر اسفندیاری یک مدیر مادام العمر است و ما همچنان در انتظار گزارشات شفاف از عملکرد ایشان هستیم که بدانیم خروجی عملکرد تمام این سال‌های ایشان در دستگاه عریض و طویل بین‌الملل فارابی چیست؟!

پس از افشای فساد اخلاقی تهیه‌کننده امریکایی و بازتاب‌های آن روی می‌دهد

شجاعت ۱۲ درصدی زنان امریکایی در ارائه گزارش تجاوز جنسی

■ نوید پارسا

بنابر داده‌های جدید فدرال، اتهامات تجاوزات جنسی برای اولین بار در سال میلادی گذشته منتهی به ماه اکتبر ۲۰۱۷ و به دنبال افشاسازی‌های «هاروی واینستین» تهیه‌کننده امریکایی با افزایش ۱۲ درصدی مواجه شده است.

کمیسیون موسوم به «فرصت‌های شغلی برابر» در امریکا اعلام کرد: در مقایسه با سال آماری ۲۰۱۷ با افزایش ۱۲ درصدی اتهامات تجاوز جنسی مواجه بوده‌ایم. این آژانس در خبری منتشره گزارش کرده که طی سال گذشته ۶۶ پرونده تجاوز جنسی ثبت شده که نسبت به سال قبل، افزایش ۵۰ درصدی داشته است.

این موسسه تا قبل از جریان افشاسازی تجاوزهای جنسی هاروی واینستین، به صورت منظم آماری بر مبنای سال تقویمی ارائه نداده و این آمار پس از واینستین به صورت دقیق و سالانه ارائه می‌شود. در واقع می‌توان گفت افشاگری بی‌سابقه درباره یکی از مدیران ارشد هالیوود باعث شده تا حساسیت‌ها به تجاوز جنسی در امریکا بیش از پیش شود و زنان در این برهه از تاریخ در روندی قرار گرفته‌اند که نسبت به گذشته از اعتماد به نفس و شجاعت بیشتری برای دفاع از امنیت خود برخوردار شده‌اند اما واقعیت ماجرا این است که گزارش‌هایی که از سوی زنان ارائه می‌شود از یک بحران جنسی و یک ظلم جنسیتی علیه زنان فراتر از آن چیزی که به نظر می‌آمد حکایت دارد. از این نظر هالیوود در یک وضعیت پارادوکسیکال قرار دارد. بزرگ‌ترین کارخانه هنری و فرهنگی تمدن غرب که تولیدات آن بیش از یک قرن است تمام جهان را درنوردیده است و همچنان یکه تازی می‌کند، نقطه آغازین افشاگری درباره این بحران بود. اینکه هالیوود چقدر در ایجاد این وضعیت و بحران تاثیرگذار بوده است خود می‌تواند یک مسئله باشد.

میزان اتهامات آزار جنسی گزارش شده طی هفت سال گذشته، نشان از سیر صعودی این معضل دارد. شدت این روند در کالیفرنیا و نیویورک بیشتر گزارش شده است. در سه ماهه اول سال ۲۰۱۸ تعداد ۹۳۹ مورد شکایت تجاوز جنسی دریافت شده که نسبت به همان دوره در سال قبل با جهش ۸۰ درصدی مواجه بوده است. بخش «حقوق بشر» نیویورک از یکم اکتبر ۲۰۱۷ در دوره‌ای هفت ماهه تعداد ۳۵۳ مورد شکایت دریافت کرده که نسبت به همان دوره در سال قبل با افزایش ۶۰ درصدی روبه‌رو بوده است. این آمار نشان می‌دهد پیش از این زنان در امریکا حتی جرئت و جسارت اعلام مسئله تجاوز را به خود نمی‌دادند و افشای ماجرای تهیه‌کننده سرشناس هالیوودی و بازتاب گسترده خبری آن که منجر به جنبش موسوم به me too در امریکا شد راه را برای گزارش‌های زنان در این باره باز کرده است.

کتاب

خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس منتشر شد

کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» تازه‌ترین اثر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به قلم محمدسرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی منتشر شد.

به گزارش فارس، کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» تازه‌ترین اثر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به قلم محمدسرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی است. «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» در ۵۲۸ صفحه و با ارائه مستندات تصویری، خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس را روایت می‌کند و به گفته نویسنده آن، تحقیق و پژوهش آن ۱۰ سال طول کشیده است. محمدسرور رجایی پیش از این، کتاب «در آغوش قلب‌ها» را درباره اشعار و خاطرات مردم افغانستان درباره امام خمینی(ره) منتشر کرده بود اما کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» را می‌توان اولین اثر پژوهشی جدی درباره حضور رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس دانست که براساس آمار منتشر شده، بیش از ۲۰۰۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده‌اند. در پشت جلد این کتاب آمده است: «برای همدلی‌های بیشتر ملت‌های ما، ضروری است بدانیم مجاهدان افغانستانی چگونه از ولایات مرکزی و شمالی افغانستان، از دشت لیلی جوزجان عبور کرده و در مسیر یافتن عشق، دوکوهه اندیمشک را هم پشت سر گذاشته‌اند تا به جزیره مجنون برسند. چگونه بهسود ولایت میدان افغانستان را رها کرده و به جبهه‌های نبرد ایران در نوسود رسیده‌اند.» علاقه‌مندان برای سفارش و تهیه این کتاب‌ها که توسط دفتر نشر معارف و به همت دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر شده است، علاوه بر مراجعه به کتاب‌فروشی‌ها و سایت پاتوق کتاب bookroom.ir نام کتاب را به شماره ۰۹۱۹۹۰۳۸۲۷۰ ارسال یا به واحد فروش دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب واقع در تهران، خیابان ۱۶آذر، پلاک ۶۰، حسینیه هنر مراجعه کنند.

درگیری بن افلک کارگردان فیلم ضدایرانی «آرگو» با اعتیاد به الکل

■ فرزین ماندگار

بن افلک کارگردان فیلم ضد ایرانی آرگو که ۴۰ روز پیش برای بار سوم در مرکز بازپروری ترک اعتیاد به الکل بستری شده بود، از تلاش دائمی خود برای گذر از این بحران خبر داده است.

افلک همان فیلمسازی است که فیلم سفارشی آرگو درباره تسخیر لانه جاسوسی امریکا در ایران را چند سال پیش ساخت و میشل اوباما جایزه او را در حرکتی بی‌سابقه از کاخ سفید به او اهدا کرد؛ اقدامی که موجب شد اسکار بیش از پیش به تأثیرگرفتن از سیاست متهم شود. این ستاره سینمای هالیوود با شکستن سکوت خود بعد از یک دوره بازپروری اعتیاد به الکل، اعلام کرد: کمک خواستن نه نشانه ضعف و شکست که بیانگر جرئت و شجاعت است. در بیانیه‌ای که این بازیگر چند روز پیش در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد، آمده است که او قدرت و حمایت لازم را به دست آورده تا بعد از یک دوره ۴۰ روزه درمان در مرکز ترک اعتیاد در مالیبوی کالیفرنیا راجع به بیماری خود صحبت کند. افلک اضافه کرده است: مبارزه با هر نوع اعتیادی یک تلاش سخت و برای همه عمر است، از این رو این نوع بیماران هیچ‌گاه از درمان خارج نمی‌شوند. این یک تعهد دائمی و تمام وقت است و من برای خودم و خانواده‌ام می‌جنگم.

افلک اواخر ماه آگوست گذشته برای بار سوم به مرکز بازپروری بازگشته بود؛ بازیگری که در گذشته نیز درباره مشکل اعتیاد خود صادق و شفاف بود. او آخرین بار مارس سال گذشته بستری شده بود. در آن زمان او در بیانیه‌اش گفته بود: می‌خواهم بهترین پدری که می‌شود باشم و به بهترین نحو زندگی کنم. می‌خواهم فرزندانم بدانند وقتی نیاز به کمک داری گرفتن کمک هیچ خجالتی ندارد و برای دیگران هم منبع یاری باشم تا آنهایی که از برداشتن اولین گام می‌ترسند نیز این کار را الگوی خود کنند. افلک همچنین از همسر خود، جنیفر گارنر که سال قبل درخواست طلاق داده بود بابت حمایت‌ها و کمک به مراقبت از سه فرزندشان تشکر کرد. عکاسان گارنر را در حالی که به افلک در رفتن به مرکز بازپروری کمک می‌کرد شکار کردند. سال ۲۰۱۲ اولین بار بود که افلک از اعتیاد و بستری شدن خود در سال ۲۰۰۱ به عنوان یک بازیگر ۲۹ ساله پرده برداشت. این سینماگر امریکایی که به عنوان یک بازیگر- کارگردان شناخته می‌شود فیلم سفارشی آرگو را در کارنامه خود ثبت کرده است. برخی به دلیل اعلام جایزه اسکار بهترین فیلم از سوی میشل اوباما آن هم از کاخ سفید این فیلم را نمونه مناسبی برای حمایت دولت امریکا از سینما و پیوند هالیوود با سیاست‌های ایالات متحده تلقی می‌کنند. افلک در فیلم آرگو روایتی یک سویه و کلیشه‌ای از حقیقت ماجرای تسخیر لانه جاسوسی ارائه داده است.